

رمزگشایی سخن امام علی علیه السلام در باره مشورت با زنان در نگاه نهج البلاغه

سید محمد رضا حسینی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

چکیده

تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری گویای این واقعیت است که «خود رأیی» مهم‌ترین عامل انحطاط جوامع بوده و آثار زیانباری از خود به جای گذاشته است؛ اما در مقابل، مشورت درست با افراد صحیح العقیده، بزرگترین عامل رشد و توسعه و مانع انحطاط جوامع به شمار می‌آید. از این رو با تکیه بر خرد جمعی و مشورت با خردمندان، می‌توان به تعالی دنیوی و سعادت اخروی دست یافت.

از مبانی اسلام - همچون آیات قرآن، سیره معصومین علیهم السلام - نیز چنین به دست می‌آید که «مشاوره» رکن مهم اداره امور جامعه است. با این وجود، در برخی از روایات، مشورت با زنان که نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، مورد مذمت و نگاهش قرار گرفته است. که به نظر می‌رسد، شایسته است این نگاه، خود در معرض کندوکاو قرار گیرد.

در این راستا نگارنده بر آن است تا با روش رجوع به منابع و متون و نظریات موافق و مخالف، به توصیف و تحلیل سخن امام علی علیه السلام در «نهج البلاغه» پرداخته و از آن رمزگشایی کند و به این پرسش پاسخ دهد، کدامین زن و با چه نوع ویژگی‌های شخصیتی، مشورت با او از سوی حضرت نکوهش شده است؟ که نتیجه‌ی حاصل از آن، روشن می‌سازد منظور نظر حضرت بطور عام نیست و گفتمان آن حضرت شامل زنانی نمی‌شود که عاقلانه و به دور از احساس و عاطفه تصمیم می‌گیرند، سیره امام خود بهترین گواه این مدعاست.

کلید واژه:

امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، رمزگشایی، مشورت، زنان، عقل و تجربه.

بیان مسئله

یکی از وجوه تمایز انسان از سایر مخلوقات عالم هستی، توان آنان در مشورت با هم نوعان است؛ از این رو از زمانی که انسان پا به عرصه وجود گذاشت تا به امروز، تغییرات تکاملی توصیف ناپذیری را در زندگی فردی و اجتماعی خود پدید آورده که بخش زیادی از آن تکامل و تعالی، در گرو استفاده از تجربه‌های یکدیگر است و این تنها در سابه مشورت با دیگران امکان پذیر بوده است.

تاریخ بشری نشان می‌دهد، توفیق خانواده‌های موفق و استقلال و پیشرفت کشورها، تنها با مشاوره‌های صحیح دست یافتنی شد، و در مقابل، تزلزل خانواده‌های متزلزل همچنین وابستگی و فقر دولت‌ها و ملت‌ها، همگی در اثر خودکامگی حاکمان و خودرأیی مردم به وجود آمده است. زیرا انسان با گفت و گو و مشورت می‌تواند، کاستی‌های روحی و جسمی، مادی و معنوی یکدیگر را شناسایی و با ارائه راهکارهای فراخور و شایسته، از پیدایش و گسترش نارسایی‌ها، کجی‌ها و لغزش‌ها در زندگی خود جلوگیری کنند.

در قرآن کریم، و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه امام علی علیه السلام، همواره بر مشورت با خردمندان تأکید شده است؛ از این رو در این نوشته دیدگاه امام علی علیه السلام در کتاب گرانسنگ نهج البلاغه بررسی خواهد شد که احادیثی همچون: «إِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَىٰ أَفْنٍ وَعَزْمُهُنَّ إِلَىٰ وَهْنٍ» (نهج البلاغه، وصیت ۳۱). وصیت آن حضرت به فرزندش امام حسن علیه السلام که مشورت با زنان را نفی و منع کرده و رأی و اراده آنان را سست می‌داند را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

با توجه به این که بیشتر یا نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند و در عرصه‌های مختلف و مهمی مانند امور حقوقی، بازرگانی، صنعتی، آموزشی، پژوهشی و پزشکی و برخی دیگر از موارد، مشارکت جدی، گسترده و تأثیر گذاری دارند، آیا می‌توان دلیل اصلی منع یا مخالفت مشاوره با زنان را همان گونه که حضرت در وصیت خود به فرزندش بیان فرمود، در غلبه احساسات و عواطف آنان بر عقل یا در عدم تمرکز در موضوع خاص دانست؟.

در حالی که فرمایشات امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس حکمت و دارای رمز و رازی است زیرا با توجه به شأن و جایگاه الهی و قرآنی ائمه معصومین علیهم السلام سخن امام، سخن حق، میزان و صراط مستقیم است. پس سخنان آن حضرت را چگونه می‌توان تحلیل کرد و منظور نظر حضرت چیست؟

این پژوهش در پی آن است که نخست با متد مطالعات کتابخانه‌ای، گزارش‌های مربوط به این بحث را شناسایی و بررسی کند و با رجوع به منابع و متون و نظریات موافق و مخالف در این



خصوص، با هدف رمز گشایی از سخن آن حضرت و کشف چرایی آن و پاسخ به سؤال‌های مربوط به نگاه حضرت به مشورت با زنان در دو مقطع زمانی پس از جنگ‌های جَمَل و صفین که سخنان حضرت در این خصوص تنها در آن دو مقطع اتفاق افتاده است را از زوایای مختلف نگرینسته و با توصیف، تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، به تتبع و کندوکاو پردازد. و در حد توان به تصویری جامع و نزدیک به واقع از سخنان امام علی علیه السلام دست یابد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌های بعمل آمده نگارنده در خصوص پیشینه پژوهش «علل مخالفت امام علی علیه السلام در مشورت با زنان در نهج البلاغه و حتی خارج از آن» نشان می‌دهد، اگر چه پژوهش‌های حاشیه‌ای به نگاه معصومین علیهم السلام به زنان و به ویژه نگاه امام علی علیه السلام در باره زنان و حتی مشورت با آنان صورت پذیرفته که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد، ولی تاکنون به صورت مشخص، ابعاد مختلف این مساله مورد واکاوی و بررسی دقیق و مستقلى قرار نگرفته است.

کتاب «زن در نهج البلاغه» از جمله آثارى است که به مشورت با زنان از نگاه امام علی علیه السلام پرداخت. نویسنده در بخش دوم که مهم‌ترین بخش کتاب محسوب می‌شود به تفسیر و توجیه کلام امام علی علیه السلام در باره زنان پرداخته است. وی در مقدمه فصل اول این بخش به روایاتی از جمله روایتی که در مذمت مشورت با زنان وارد شده اشاره می‌کند و در تفسیر و تبیین آن می‌گوید: کلام آن حضرت به ضمیمه قراین کلامی دیگر و حکمت کلام آن حضرت نهی از مشورتی است که بر اساس عقل پایه‌گذاری نشده باشد. این کتاب اگر چه مفصل به موضوع زن در نگاه نهج البلاغه می‌پردازد ولی به مقوله مشورت با زنان بسیار محدود و کمتر از یک صفحه اختصاص دارد.

مقاله «زن در نهج البلاغه و چالش پیش رو» نویسنده این مقاله با پیش داوری از عبارت «سخنان تند امام علیه السلام در مورد بانوان» استفاده می‌کند و به موارد مذمت بانوان در نهج البلاغه، نقص بانوان در ایمان و عقل، طبیعت نهادینه بانوان، شهادت دو زن و یک مرد، مشاوره در امور، با محوریت عقلانیت پرداخته و جایگاه زن در قرآن و نگاه پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام به زن را بررسی می‌کند و در پایان به ارزیابی کلمات امام علی علیه السلام و چالشهای پیش رو آن به صورت گذرا می‌پردازد.

مقاله‌ای با عنوان «جایگاه زن در نهج البلاغه» وجود دارد که محقق به دیدگاه رهبر معظم انقلاب در موضوع زنان پرداخته و در پایان این نگارش کوتاه به مواردی از سیره عملی معصومین علیهم السلام در مشاوره با زنان اشاره کرده است.

مفهوم شناسی مشورت:

در تعریف مشورت گفتند: «تساور، مشاور و مشورت، کسب نظر از طریق مراجعه برخی به برخی دیگر است». (راغب، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۰). این نوعی از استخراج و بیرون کشیدن رأی صحیح است. «شورا: برداشتن، بیرون آوردن عسل از لانه زنبور، ریاضت دادن، آزمودن و نیز: فربه و نیکو شدن اسب یا شتر گفته شده است». (معین، ۱۳۶۰ش، ص ۲۰۸۶).

علامه طباطبایی بعد از بررسی لغوی مشورت می‌گوید: در این جمله اشاره‌ای است به این که مؤمنین اهل رشدند و کاری می‌کنند که در واقع هم، باید انجام دهند، و در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح، دقت به عمل می‌آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند». (طباطبایی، ۱۴۱۷ش، ج ۱۸، ص ۶۴)

در مبانی علمی «مشاوره» که معادل «Counselin» به کار می‌رود، آقای کرومبولتز^۱ آن را چنین تعریف کرد: «مشاوره از تمامی فعالیت‌های اخلاقی تشکیل یافته است که در آن، مشاور سعی و تلاش می‌کند تا به مراجع کمک کند تا به آن دسته از رفتارهایی بپردازد که بتوانند به حل مشکلات و مسائل او منجر شوند». (کریستیان، ۱۳۷۳ش، ص ۱۰).

از مجموع توصیف‌های ارائه شده درباره مشورت، چنین به دست می‌آید که مشورت و هم‌اندیشی، نوعی تعامل بین مشاور و مشورت‌گیرنده است که در آن، مشاور به مشورت‌گیرنده کمک می‌کند تا پس از شناخت دقیق خود، موقعیت و شرایط اطراف، تصمیمات معقول، منطقی و مقبولی اتخاذ کند که دارای عقبه‌ای منطقی و علمی باشد.

مفهوم شناسی عقل:

لغت شناسان، «عقل» را به امساک، منع، درک، فهم، معرفت، قوه، علم، تدبیر، تمیز، تشخیص خیر از شر، حق از باطل و همچنین مهار کننده امیال آدمی توصیف کرده‌اند؛ بدین جهت، اصل ماده «عقل» نزد آنان به معنای «منع» و «بازداشتن» است. از این رو مشتقات آن نیز، به معنای اصلی آن باز می‌گردد. (ر.ک: الجوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۷۶۹؛ الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۷ و ۵۷۸؛ ابن اثیر الجزری، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۲۱۳۹؛ الفیومی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۲۲-۴۲۳)

برخی نیز عقل را قوه‌ی تشخیص دانسته‌اند که انسان را از حیوان متمایز می‌سازد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۵۹). و برخی دیگر عقل را نیرویی دانسته‌اند که زمینه‌ی قبول علم را فراهم

1. Kromboltz.



می‌سازد و چیزی را که انسان با آن قوه، استنباط می‌کند را عقل می‌گویند. (راغب، ۱۴۰۴ق، ص ۳۴۱-۳۴۲). بنابراین بی‌تردید می‌توان گفت: عقل، نفس را از عمل نسنجیده، گناه و انحراف، ضبط، منح و مهار و کنترل می‌نماید.

عقل در اصطلاح علوم مختلف، همچون فلسفه، کلام، اخلاق و اصول فقه معناهای متفاوت و خاص خود را دارد که مجال آن اینجا نیست. (ر.ک: ابن سینا، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۸۹-۸۷؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ۸؛ نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷؛ مطهری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۸).

در قرآن کریم کلمه «عقل» و مشتقات آن ۹۴ بار به صورت مثبت، منفی و در قالب سؤال به کار رفته است.

پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام، حقیقت عقل و جایگاه آن را، به طور دقیق، عمیق و زیبا بیان فرموده‌اند. (علامه مجلسی، ۱۳۶۳ش، باب ۲ و باب ۴؛ آمدی، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۴۴۳؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، کتاب عقل و جهل، ح ۱۴). خداوند دو گونه حجت برای مردم قرار دارد.

یک: حجت ظاهری، که انبیا و ائمه علیهم السلام هستند.

دو: حجت باطنی، که عقل است. (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۳ و ۲۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۸۵، ۲۸۳ و ۳۳۱).

عقلی بودن نیاز انسان به مشورت:

به یقین هیچ انسانی به غیر از معصومین علیهم السلام در فکر و اندیشه‌های عقلانی، کامل نیست و تصمیمات انفرادی او برای دیگران به گونه‌ی یصحّ السکوت علیها، نمی‌باشد؛ چرا که عقل آدمی همان گونه که قادر به درک اشیاء و مفاهیم است، محدودیت ادراکی خود را نیز درک می‌کند. در همین راستا نوع بشر همواره در تعامل با یکدیگر بوده، و استفاده از علم، تخصص و تجربه هم نوعان را نیاز قطعی و کلید حل مشکلات خود می‌داند.

از این منظر، مشورت و هم‌اندیشی، دارای ضرورت عقلی است و عقل هر انسانی به عنوان رسول باطنی و موهبه الهی، آن را قبول داشته و بر آن صحه می‌گذارد.

با نگاه به تاریخ تحول و پیشرفت علم، این حقیقت آشکار می‌شود که پیشرفت علوم در همه دوران، با تکیه بر هم‌فکری، همکاری و مشاوره صورت پذیرفته است. این مسأله نشان می‌دهد که مشورت و هم‌فکری - چه در سطح جزئی - در زندگی تک تک افراد - و چه در سطح کلان - در

جوامع مختلف و در گستره جهان- در رشد سطح فکری آدمیان و نیز رشد و پیشرفت علوم و سطح زندگی انسان، نقش بسیار مهم و اساسی ای داشته و دارد.

مشورت با زنان:

امروزه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و فعالیت آنها در حوزه‌های مختلف، علمی، صنعتی، بازرگانی، آموزشی، فرهنگی، پژوهشی، پزشکی، حقوقی و حتی قانونگذاری نه تنها قابل انکار نیست، بلکه قابل تحسین است. حال این سؤال مطرح می‌شود پس چگونه برخی از روایات، انسان را از مشورت با زنان منع کرده است؟.

به نظر می‌رسد در ابتداء لازم است تفاوت جنس زن و مرد مورد بررسی قرار گیرد تا با آشکار شدن تفاوت، فلسفه منع مشورت از سوی این روایات روشن گردد و سپس به بررسی روایت پرداخته تا چگونگی جمع بین روایات امام علی علیه السلام در نفی مشورت با زنان، با ذیل روایتی که حضرت، زنان صاحب تجربه و عقل را استثنا می‌کند مورد تحقیق قرار گیرد.

تفاوت جنس زن و مرد:

آنچه که مسلم است، مرد و زن در بشر بودن و شخصیت و انسانیت یکسانند. خالق هستی، «جنس» و «نوع» را ملاک «مرد» و «زن» قرار داده است. گفته شده آن‌ها در احساسات بیرونی و درونی متفاوت از یکدیگرند؛ پسر یا دختر شدن بستگی به نوع کروموزوم‌های جنسی دارد، پسر در جسم قوی‌تر و در تصمیم‌گیری با صلابت، احساسات درونی اش را کنترل کرده و کمتر بروز داده و در ارائه نظرات خود کمتر احساسات را دخالت می‌دهد، اما دختر روحیه‌ای لطیف، احساسات بیرونی اش را به سرعت آشکار ساخته و اغلب در ارائه پیشنهادات و یا قضاوت‌های فردی و اجتماعی از احساس خود کمک می‌گیرد. وزن و حجم مغز، وزن قلب، ضربان نبض، فشارخون، حرارت بدن، ارتعاشات صوتی، میزان گلبول‌های قرمز و سفید درخون، گنجایش و حجم ریه و تفاوت ترشحات غدد بین دو جنس نرینه و مادنی به قدری زیاد است که بدون استثنا تمامی اعضا و جوارح زن و مرد را از هم جدا می‌سازد (پاک نژاد، ۱۳۹۳ش، ح ۱۹، ص ۲۸۰).

روانشناسان معتقدند: زنان در احساسات و عواطف، تمایلات و اخلاق با مردان متفاوت‌اند و لذا «محبت، رفتار انفعالی، رفتار عاطفی و حمایت‌کننده را، از ویژگی‌های زنان و در مقابل، پرخاش‌گری، استقلال، رقابت، سلطه و حاکمیت را از ویژگی‌های مردانه برشمرده‌اند». (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴ش، ص ۳۳۰).

آنچه که از مطالب پیش گفته به دست می‌آید، این مهم قابل درک است که خصوصیات نوعی



زن‌ها و عواطف حاکم بر جسم و روحشان، ممکن است آنان را در اظهار نظر صحیح و کارا، کم توان سازد؛ چرا که زنان به طور طبیعی دارای عواطف زیادی‌اند به گونه‌ای که حتی دیده شده است که بسیاری از مردان قدرتمند، تحت تأثیر قدرت عاطفه زنان قرار گرفته و در مقابل خواسته‌هایشان سر تسلیم فرود آورده‌اند.

بدین جهت روانشناسان معتقدند: آنچه زن را به اتخاذ تصمیمات خود برمی‌انگیزد، احساسات قلبی اوست، نه مقدمات عقلی. (لمب روزو، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۱۹). زن‌ها معمولاً احساساتی‌تر از مردان هستند.» (کلان برگ، ۱۳۵۵ ش، ص ۳۱۳)

خانم «کلیودالسون» به عنوان یک روان‌شناس که خود یک زن است نتیجه تحقیقات بالینی و میدانی خود را چنین اعلام می‌کند: ... به این نتیجه رسیده‌ام که خانم‌ها، تابع احساسات و آقایان تابع عقل هستند. (ر.ک: حسینی، شماره ۱۷، ص ۶۴). و حتی برخی معتقدند: «زنان و مردان در هوشیاری با هم متفاوتند. مردان، هوشیاری با دید متمرکز دارند و زنان هوشیاری با حواس و دید باز. همین مسأله در نوع قضاوت مرد و زن تأثیر می‌گذارد. مردان در صدور رأی تمام جوانب مخفی را می‌بینند اما خانم‌ها به اشد مجازات فکر می‌کنند، زیرا همان‌گونه که در ابراز محبت سریع هستند در اعمال خشم هم شدید هستند. و ذهن آنها معمولاً شلوغ‌تر از مردان است و از این رو در تصمیم‌گیری‌ها با هم متفاوت هستند. (مجد، ۱۳۹۷ ش، ص ۹۷). بدین جهت نمی‌توان برای هر زن و حتی مرد، دارا بودن تمام شرایط یک مشاور کامل را قائل شد. ولی باید توجه داشت که در مشورت، باید منشأ اظهار نظر، عقل و خرد باشد. واضح است که احساسات نمی‌توانند منشأ پیشنهادات مشاوره‌ای باشند و این امر در برگزیده مردان احساساتی و عاطفی نیز می‌باشد.

امام علی علیه السلام در بیان تفاوت خصلت‌های زنان با مردان می‌فرماید: خصلت‌های نیک زنان، خصلت‌های بد مردان است، که عبارتند: از تکبر و ترس و بخل؛ هنگامی که زن متکبر است، بیگانه را به خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد، مال خود و همسرش را حفظ می‌کند و اگر ترسو باشد، از هرچیزی که ممکن است به آبرو و عفت او صدمه بزند، می‌ترسد و از آن فاصله می‌گیرد»^۱. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴). مؤید آن وصیت نامه حضرت به امام حسن علیه السلام هنگام بازگشت از صفین می‌باشد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱). با توجه به تفاوت خصوصیت‌های اخلاقی زن و مرد، ممکن است برخی از صفات مثبت در مردان، صفات منفی در زنان باشد، در مقابل، صفات خوب اخلاقی زنان، در مردان ناپسند باشد.

۱. «خيارُ خصالِ النساءِ شراؤُ خصالِ الرجالِ...»؛

مشورت با زنان از نظر امام علی علیه السلام

در این باره، دو روایت متفاوت از امام علی علیه السلام نقل شده است. که روایت اول در نهج البلاغه و دومی در کنز الفوائد وجود دارد و علامه مجلسی نیز از او نقل کرده است.

۱. وصیت امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در فرازهای آخر وصیتنامه طولانی خود به امام حسن مجتبی علیه السلام در باره مشورت با زنان چنین توصیه می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ يُجْرِي إِلَى الْأَفْنِ وَعَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ»^۱ (نهج البلاغه، نامه ۳۱). حضرت در ادامه این بخش از خطبه به موضوع‌های مهم و مختلفی همچون حجاب، عفاف و واگذار نکردن کارهای سخت و سنگین به زنان پرداخته و از فضای مشورت با زنان خارج می‌شود.

۲. روایات دیگری در بحار الانوار از امام علی علیه السلام در باره مشورت با زنان وجود دارد که حضرت فرمود: «إِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مَنْ جَرَّتْ بِكَمَالِ عَقْلِهَا فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ يُجْرِي إِلَى الْأَفْنِ وَعَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ ش، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳، ح ۵۶؛ به نقل از: کراچی، ۱۴۱۰ ش، ج ۱ ص ۳۷۶)

بررسی سندی

از نظر سند باید گفت: وصیت امام علی به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام از فرازهای غیر قابل خدشه در نهج البلاغه است زیرا مطالب نهج البلاغه و حتی همین وصیت نامه را عده‌ای از علمای بزرگ مانند: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هجری)، (۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۶۲؛ ج ۴، ص ۲۷۵) و ابن شعبه حرانی هم عصر شیخ صدوق، (۱۳۶۳ ش، ص ۶۸) قبل از سید رضی (متوفای ۴۰۶ هجری) نیز آن را نقل کرده‌اند و مورد استناد عالمان پیشین و حاضر قرار گرفته است.

و اما از نظر محتوا، اگر با دقت به این نامه توجه شود می‌توان گفت: روح حاکم بر سخنان حضرت در وصیت به فرزندش، تعریض آمیز است. مثلاً حضرت در آخرین فرازها از بخش آخر وصیتنامه چنین فرمود: اگر بتوانی به گونه‌ای زندگی کنی که [زنت] غیر تو را نشانند چنین کن.

و اما روایت دوم، که علامه مجلسی آن را از کنز الفوائد نقل کرده است، آن نیز همان وصیت امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام است با اندکی اضافه از روایت نهج البلاغه می‌باشد.

۱. از مشورت با زنان خود داری کن، زیرا اندیشه ایشان، توان و اراده شان سست و ضعیف است»
 ۲. هرگز با زنان همفکری و مشورت نکن، مگر این که زنی کمالات عقلانی او با تجربه ثابت شود؛ زیرا رأی زنان ناقص و تصمیمشان ناپایدار است».

در این جا ابتداء موضوع جواز مشورت با زنان، در برخی از موارد به ویژه مسائل خاص زنان، و استثنای زنان با تجربه و خردمند، توسط امام علی علیه السلام در مقام ثبوت و اثبات مورد بررسی محتوایی قرار می‌گیرد.

بررسی محتوایی در مقام اثبات

و اما از نظر دلالت و محتوا در مقام اثبات، باید به چند مطلب توجه و تفتن ویژه داشت:
 نخست: این که امام علی علیه السلام مشورت با زنان را منع کرده‌است، قضیه خاص و یا شخصیه می‌باشد؛ قضیه حقیقیه نیست تا به اصل طبیعت و جنس زنان برگردد، اگر چه سخنان حضرت به ظاهر کلی می‌باشد، ولی با توجه به شرایط زمان و مکان، ناظر به فرد خاص (عایشه) یا افراد خاصی است؛ شاهد بر این ادعا:

۱. حضرت هنگام حرکت به سوی بصره برای مقابله با فتنه جَمَل به سرکردگی طلحه و زبیر و ریاست عایشه، درباره زنان چنین فرموده است: «چهارپایان تمام هَمّ شان، شکم هایشان است و درندگان هَمّ شان در دشمنی با دیگران است و زنان همت شان در زینت زندگی و فساد در آن است». (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳) ابن ابی الحدید نیز خطبه حضرت را قضیه شخصیه می‌داند. وی پس از بیان خطبه یاد شده می‌گوید: «این جملات در باره رؤسای اصحاب جَمَل است.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹، ص ۲۲۰) سایر خطبه‌های پس از جنگ جَمَل نیز مربوط به سران فتنه جَمَل است.

۲. خطبه دیگر امام علی علیه السلام در شهر بصره، پس از پایان فتنه و نبرد جَمَل، در نکوهش زنان فرمود: «مردم! ایمان زنان ناتمام است، بهره آنان ناتمام، خرد ایشان ناتمام، نشانه ناتمامی ایمان، معذور بودنشان از نماز و روزهاست به هنگام عادتشان، و نقصان بهره ایشان، نصف بودن سهم آنان از میراث است، نسبت به سهم مردان، و نشانه ناتمامی خرد آنان این بود که گواهی دو زن همانند گواهی یک مرد به حساب رود. پس از زنان بد بیرهیزید و خود را از نیکانشان و پایید، و تا در کار زشت طمع نکنند، در کار نیک از آنان اطاعت ننمایید.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۰). این سخنان در ادامه همان نگاه اول است.

۳. در ادبیات عرب «الف و لام» حرف تعریف است، بنابر این واژه «النساء» در سخن امام علی علیه السلام: «ایاک و مشاوره النساء». (وصیت ۳۱). دارای حرف تعریف است، که دو معنی دارد:
 یکم: «الف و لام» جنس که به معنای «همه» است؛ مانند: واژه الانسان در «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَرَّأَكَ عَلَىٰ ذَنْبِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴). واژه «الانسان» اسم جنس است. هر انسانی را

می‌تواند مورد خطاب قرار داد و لذا انسانِ مشخصی مورد خطاب نیست.

دوم: «الف و لام» عهد است که گوینده و شنونده هر دو آن را می‌شناسند، و آن سه نوع است: عهد ذکری، عهد حضوری و عهد ذهنی؛ که در این میان «الف و لام» در واژه «النساء» در کلام امام علی علیه السلام از نوع عهد ذهنی است مانند: الشجر در آیه شریفه «إِذْ يَأْبُغُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» (قرآن کریم ۴۸: ۱۸) خدا از مؤمنانی که زیر درخت (معهود حدیبه) با تو بیعت کردند... خواننده بخاطر علم قبلی و تصور ذهنی می‌داند که «الشجر»، همان درختی است که مؤمنان زیر آن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند. بنابراین با توجه به عهد ذهنی بودن «الف و لام» در «النساء» مراد حضرت علیه السلام در این سخن، جنس زن نیست، بلکه اشاره به زنی خاص و مورد نظر دارد، که شنونده او را به خوبی می‌شناخت.

البته شایسته است تا برای روشن‌تر شدن مطالب پیش گفته شده، به سه نکته مهم دیگر نیز توجه داشت.

یکم: حضرت علی علیه السلام به احترام پیامبر صلی الله علیه و آله، در کلام خود، نامی از همسر پیامبر (عایشه) به میان نیاورده است.

دوم: قرآن مجید به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود: وَقَرْنِ فِي يُوتُكُنَّ وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى (قرآن کریم ۳۳: ۳۳)؛ درخانه هایتان بمانید و همانند زنان دوران جاهلیت قدیم با اظهار زینت هایتان به خودنمایی نپردازید».

سوم: عالمان شیعه و اهل تسنن اذعان دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله به همسر خود عایشه گوشزد کرده بود که از فتنه‌ای که در ضمن آن سگ‌های حوآب پارس می‌کنند، بپرهیزد، «می بینم سگ‌های حوآب بر یکی از شما بانگ می‌زنند، برحذر باش ای "حمیرا" که تونباشی» (مفید، بی‌تا، ص ۳۱۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۹۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۱۲). اما عایشه، با بی‌توجهی کامل به آیه قرآن و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله، سوار بر شتر شد و با تحریک طلحه و زبیر در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام به پاخاست و سرانجام شکست خورد. پس از آن بود که امیرالمؤمنین علیه السلام بسیاری از این سخنان را نسبت به زنان ایراد فرمودند؛ از این رو است که برخی از علمای عصر حاضر بر این باورند که بسیاری از این گونه روایات، نظیر قضایای شخصیه هستند، یا این که با توجه به شرایط مخصوص آن عصر یا آن موضوع خاص، بیان شده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۵۹). لذا در بعضی از روایات، یک حادثه یا موضوعی به خاطر یک سلسله عوامل تاریخی، زمانی و مکانی، ستایش و یا نکوهش شده است. این تمجیدها یا توبیخ‌ها، هرگز نمی‌توانند ملاک و دلیل بر خوب

بودن یا بد بودن ذات و طبیعت آن شیء در آن منطقه بوده باشد؛ بلکه مخصوص دوره و زمان مشخص یا اشخاص خاص است. پس نمی‌توان آن‌ها را به زمان‌های دیگر و سایر افراد، نیز تعمیم و گسترش داد همچنین نمی‌توان آن را کلی و مربوط به خصوصیات ذاتی و طبیعت مردان و یا زنان دانست.

دوم: اگر مراد امام علی علیه السلام حتی شخص عایشه نبوده باشد، باید به این نکته‌ها توجه کرد:

۱. مخاطب سخنان امام علی علیه السلام، آن دسته از زنانی بودند که برای عایشه - به اعتبار همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودن و داعیه امّ المؤمنین داشتن - حرمت خاصی قائل بودند و او را الگوی زن مسلمان می‌دانستند. امام علیه السلام می‌خواست با این سخنان، باور غلط و نگرش سطحی مردم را اصلاح کند.

۲. زنان در عصر جاهلیت و حتی پس از ظهور اسلام، همچنان از سوی قبایل در انزوا و حاشیه قرار داشتند اگر چه اسلام با آن تفکر مخالف بود ولی زنان در آن زمان به علت انزوای عمومی، غالباً تخصص لازم و ویژه‌ای نداشتند و لذا نمی‌توانستند طرف مشورت قرار گیرند، و الا از دیدگاه اسلام، مشورت با زنان درباره اموری که در حیطة تخصص و دانش آن‌ها باشد مخالفتی ندارد. و به همین دلیل برخی از علمای معاصر معتقدند: «چنین تعبیرهایی به لحاظ غلبه خارجی موضوع در زمان بیان آن است. یعنی در آن زمان که زنان از تعلیم و تربیت صحیح محروم بوده‌اند در صورتی که اگر شرایط درست برای فراگیری آن‌ها در صحنه تعلیم و تربیت فراهم شود اگر غلبه بر عکس نشود، لااقل غلبه با مردان نخواهد بود، تا منشاء نکوهش گردد. یعنی اگر زنان در پرتو تعلیم صحیح و تربیت وزین پرورش یابند و همچون مردان بیندیشند و همانند رجال تعقل و تدبیر داشته باشند تمایزی از این جهت با مردها ندارند و اگر گاهی تفاوت وجود دارد، همانند تفاوتی است که بین مردها وجود دارد. مثلاً اگر زنان مستعد به حوزه‌ها و دانشگاه‌ها راه یابند و همانند مردان به فراگیری علوم بپردازند و در دروس مشترك آگاهی کامل یابند، دیگر نمی‌توان گفت: روایاتی که در نکوهش زنان آمده و احادیثی که در پرهیز از مشورت با آنها وارد شده و ادله‌ای که در نارسایی عقول آنان رسیده اطلاق دارد و هیچ‌گونه استثنایی نسبت به زنان دانشمند و محقق ندارد؛ بلکه قطعاً این گونه زنان، مستثنا خواهند بود و در این زمینه تمایزی با مردها ندارند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷).

سوم: بدیهی است که مشاور باید عاقل و صاحب رأی و نظر باشد، زیرا مشورت و هم‌اندیشی با انسانی که بر اساس عقل و خرد نظر نمی‌دهد، یا هنوز به آن حد از رشد عقلی نرسیده است، باعث انحراف و خسران می‌شود. در متون دینی بیش از پانزده روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام تأکید بر مشورت با صاحبان عقل و خرد دارند، (حسینی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵۰) ولی جنسیت مشاور - مرد

بودن یا زن نبودن - در هیچ یک از آن‌ها لحاظ نشده است. بنابراین روایات مشورت با عاقل اطلاق دارد. مانند روایتی که به رسول خدا ﷺ گفته شد: «حزم چیست؟» حضرت فرمود: «مشورت با صاحبان عقل و پیروی از آنان» (برقی، ۱۳۷۱ ش، ص ۶۰۰). هم چنین حضرت فرمود: با انسان‌های عاقل در امور خود مشورت کنید و بدین وسیله رشد کار خود را طلب کنید و با آن مخالفت ننمایید که پشیمان می‌شوید». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۱۰۰). بنابراین نه تنها نمی‌توان از این دسته از روایات بر منع مشورت با زنان بهره جست، بلکه می‌توان گفت: این نوع روایات اطلاق دارند. و روایت حضرت - که فرمود: «إِلَّا مَنْ جُرِّتْ بِكَمَالِ عَقْلِ» مؤید این است که اگر مشاور - زن یا مرد - از عقلاء باشد می‌توان با او مشورت کرد.

چهارم: بی‌شک این دسته از روایات امام علی علیه السلام و حتی روایات سایر امامان معصوم علیهم السلام که از مشورت با زنان نهی و منع کرده‌اند، دلیل مخالفت با رأی زنان را، در ضعیف و ناپایدار بودن عقاید و اندیشه‌های آنان. زود تحت تأثیر قرار گرفتن، در تصمیم‌گیری‌ها عجله کردن، و کمتر تصمیم منطقی گرفتن بیان داشتند. که بی‌شک همه این‌ها ناشی از عواطف و احساسات آنان بوده که بیانگر ناپایداری فکری آنان است.

دلیل این ادعا، تحلیل علامه مجلسی است؛ ایشان در ذیل روایتی از امام باقر علیه السلام که فرمود: «در اموری که باید پنهان بماند و در امور خویشاوندان‌تان با زنان مشورت نکنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ش، ص ۱۸۱)، چنین می‌نویسد: این حدیث از مشورت با زنان در اموری که باید پنهان بماند نهی می‌کند؛ زیرا معمولاً زنان در رازداری ضعیف هستند. هم‌چنین شوهر را از مشورت با آنان در باب خویشاوندانش باز می‌دارد؛ زیرا غالب زنان با خانواده شوهر خود صفی‌القلب نیستند و معمولاً از آنان کدورت به دل دارند و اگر در این باب، طرف مشورت قرار گیرند، تحت‌تأثیر این کینه و نفرت‌های ناصحیح، نظرهای ناصوابی ارائه می‌دهند (مجلسی، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۳۴).

هم چنین امام صادق علیه السلام فرمود: «از مشورت با زنان بپرهیزید؛ زیرا ضعف، سستی و ناتوانی بر آنان غالب است و تحت‌تأثیر این حالات نظرهای خوبی ارائه نمی‌دهند». (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷). مجلسی درباره این روایت نیز می‌گوید: در این روایت هم از مشورت با زنان نهی شده است؛ زیرا غالباً ضعیف هستند و در مشورت‌شان این خصوصیت‌ها ظهور می‌کند و به‌طور طبیعی، مشورتشان به صواب نخواهد بود. وجود این صفات در غالب زنان، آنان را از شایستگی طرف مشورت قرارگرفتن می‌اندازد (مجلسی، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۶۷). پس در این دسته از روایات علت تامه نفی و منع از مشورت با زنان، در ضعیف و ناپایدار بودن عزم آنان بیان شده است.



در علم اصول ثابت شده: «العلّة یعمّم کما یخصّص؛ علت باعث تعمیم می‌گردد همانطوری که موجب تخصیص حکم می‌گردد» (طباطبایی قمی، ۱۳۷۸ ش، ص ۷۴)؛ اگر این صفات منفی در مردان هم باشد، به دلیل الغای خصوصیت و تنقیح مناط، نباید مردان نیز طرف مشورت قرار گیرند. بنابراین اگر زنانی این اوصاف را نداشته باشند، شایسته است همانند مردان طرف مشورت واقع شوند. پنجم: با نگاه دقیق به ادامه وصیت امام علی علیه السلام که فرمود: «وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا يَجِبُ وَرُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِيَالِهَا وَبَالِكِ وَإِنَّمَا الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَلَا تُطْمِعُهَا أَنْ تَشْفَعَ لِعَبْرِيهَا؛ روشن می‌شود مراد، نهی از مشورت در امور خاص مانند مدیریت کلان حکومت، امور قضاوت و یا امور اجتماعی است، نه مطلق مشورت حتی امور مربوط به خانواده، ازدواج، تربیت کودکان، آموزش.

از این رو ممکن است منظور از مشورتی که مورد نهی قرار گرفته است، ناظر به مشورت در امور کلان حکومتی، سیاسی و قضایی باشد و الا در بسیار از موارد، که زنان نیاز به مشاوره دارند و نمی‌توانند با مردان - اگرچه محرم هم باشند - مشورت کنند. به ناچار باید با زنان مجرب و خردمند مشورت کنند. پس نمی‌توان به صورت سالبه کلیه مشورت با زنان را منع و نهی کرد. بدین جهت روایاتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام در بعضی از امور مانند: ازدواج و مسائل خانواده امر به مشورت با زنان شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پیرامون دختران با زنان مشورت کنید» امام صادق علیه السلام فرموده است: «تستأمر البکر و غیرها و لاتنکح الا بأمرها؛ (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۳۸۰) دوشیزه گان و بانوان مورد مشورت قرار گیرند و جز با خواستشان به ازدواج در نیایند».

ششم: یکی از مهم‌ترین شروط در مشاوره، این است که طرف مشورت باید خردمند و دارای آگاهی، تجربه لازم و کافی در مورد موضوع مورد نظر باشد و این مهم در بسیاری از روایات معصومین علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در همین راستا فرمود: «با دشمن دانای خود مشورت کن و از نظر دوست نادان خود بپرهیز» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ح ۲۴۷۱).

آن حضرت در روایتی دیگر فرموده است: «بهترین کسان برای مشورت، صاحبان خرد و دانشمند و افراد با تجربه و دور اندیش هستند». (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ح ۴۹۹۰).

اگر مشاور فاقد این شرط مهم - خردمند - بود، بر اساس قاعده - «العلّة یعمّم کما یخصّص» - همانگونه که علت تخصیص می‌خورد و محدود می‌شود، توسعه نیز پیدا می‌کند. لذا نه تنها نباید با

۱. زن را بیش از آنچه راجع به خود او است بر کارها، سر کار و صاحب اختیار مکن، زیرا زن چون گل لطیف است و کارگزار حکومتی نیست و او را برای شفیع شدن برای غیر، به طمع نینداز و...»

این گونه زنان مشورت کرد، بلکه با این گروه از مردان نیز نباید مشورت کرد. اگرچه این روایت در مقام نهی از مشورت با زنان در کلیه امور است، ولی قطعاً مراد از نهی مشورت با تمام زنان نیست. هم چنان که حضرت با به کار بردن جمله: «إِلَّا مَنْ جُرَّتْ بِكَمَالِ عَقْلِ» زنان صاحب تجربه و خرد را، از زنان کم تجربه، کم خرد و کم آزموده در امور مورد مشورت، استثنا کرده است.

بنا بر آنچه گفته شد، اگر زنی یا زن‌هایی در زمینه‌ای از توانایی و پخته‌گی لازم برخوردار نیستند، نباید مورد مشورت قرار گیرند؛ زیرا در آن زمینه رأی سست و بی‌پایه دارند و بر اثر جهل و ناتوانی به عجز و ناتوانی دعوت خواهند کرد. این تعابیر نشان دهنده نقصان و کمبود زنان در ذات نیست. (مطهری، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۱۶).

هفتم: اگر پذیرفته شود که رأی و اندیشه زنان ناقص و تصمیم، عزم و اراده آنان سست و ناپایدار است، قطعاً نمی‌توان گفت: کلیت و عمومیت دارد و رای هر زنی چنین است؛ زیرا در میان ایشان، زنانی ستوده شده در قرآن همچون، همسران حضرت ابراهیم علیه السلام ساره؛ حضرت بلقیس ملکه سبا، ﴿قَالَتْ رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی - وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَیْمَانَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ﴾ (قرآن کریم ۲۷: ۴۴)؛ مادر حضرت موسی، ﴿وَاَوْحِیْنَا اِلٰی اُمِّ مُوسٰی اَنْ اَرْضِعِیْهِ﴾ (قرآن کریم ۲۸: ۷)؛ حضرت مریم، ﴿اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِکَةُ یٰمَرْیَمُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰکِ وَطَهَّرَکِ وَاَصْطَفٰکِ عَلٰی نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ﴾ (قرآن کریم ۳: ۴۲)؛ و زنانی ارجمند و فاخر مانند: فاطمه بنت اسد، حضرت خدیجه، ام سلمه، و مهم‌تر از آنان، حضرت زهرا علیها السلام که خود محدثه بود، وجود دارند که ثبوتاً و اثباتاً پذیرفته شده است که رای آنان کامل و عزمشان بسیار محکم، مفید و موثر است و مورد مشورت قرار گرفتند.

هشتم: نقل حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از جمله عوامل توسعه و گسترش فرهنگ دینی به شمار می‌آید و در این خصوص افرادی که بیشتر احساس مسئولیت می‌کردند، نقش بیشتری در نقل و اشاعه آن داشتند در این میان، زنان نیز حضوری فعال داشتند که با مراجعه به احادیث در کتب روایی، تاریخی و تفسیری آن می‌توان در سلسله سند و روایان حدیث، نام زنان را دید. برخی از نویسندگان اهل سنت در آثار خود تعداد روایان زن را معرفی کرده‌اند، منابعی همچون: موسوعه أمهات المؤمنین در کتاب عبدالصبور شاهین، ۱۴۷۰ حدیث از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده و ابراهیم محمد الجمل در کتاب جامع مسانید النساء، ۱۷۵۲ حدیث از روایان زن آورده‌اند. کتاب‌های دیگری همچون: مسند فاطمی، که سیوطی روایاتی از حضرت زهرا علیها السلام، و مسند عایشه

۱. یکی از زنان مُحَدَّثَه، مادر حضرت اسحاق و هاجر؛ مادر حضرت اسماعیل.



ابن حجر عسقلانی، روایاتی از عایشه آورده است.

براساس پژوهش‌های جدید، در کتاب‌های کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستبصار، وسائل الشیعه و بحار الانوار، مجموعاً، ۴۳۰ حدیث- با حذف تکراری‌ها- از ۱۲۴ زن روایت شده است. (ر ک: مهریزی، ۱۳۹۶ ش).

فرا تر این که حضرت علی علیه السلام در حدیث اربعمائه بعد از این که فرمود: «در مراسم تجهیز مرده‌ها گفتار خوب داشته باشید» به سخنی از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام استناد می‌فرماید: «فان فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله لما قبض ابوها ساعدتها جميع بنات بنی هاشم فقالت: دعوا التعداد و علیکم بالداء» (صدوق ۱۳۶۲ ش، ص ۶۱۸). حضرت زهرا علیها السلام بعد از ارتحال رسول اکرم صلی الله علیه و آله به زنان بنی هاشم که او را در ماتم یاری می‌کردند و زینت‌ها را رها کرده و لباس سوگ در بر نموده و مرثیه می‌خواندند، فرمود: «این حالت را رها کنید و بر شماست که دعا و نیایش نمایید».

حضرت علی علیه السلام که خود امام معصوم بوده و تمام گفته‌های او حجت است ولی برای تثبیت مطلب به سخن حضرت زهرا علیها السلام استناد می‌کند. انسان معصوم حجت خداست؛ بدین جهت فرقی بین زن و مرد معصوم نیست؛ همان گونه که سنت امام معصوم علیه السلام حجت است، سنت حضرت زهرا علیها السلام نیز حجت شرعی است.

با وجود آنچه گفته شد، چگونه می‌توان زنانی را که دارای ویژگی‌های مختص راویان و محدثان بودند، و با نقل حدیث صحیح در نشر فرهنگ اسلامی و شیعی نقش بسزایی داشتند، و یا از سوی امام باقر علیه السلام به تدریس و پاسخ به سوال‌های زنانه می‌پرداختند، ناقص العقل دانست! و در زمره کسانی قرار داد که نمی‌توان با آنان مشورت کرد؟! نا گفته، پاسخ مشخص است که با هر کسی- اعم از مرد و زن- باید با توجه به توانایی‌های فردی و اجتماعی اش مشورت کرد و زنی که در روایت ناقص العقل شناخته شده و از مشورت با او منع شده است، فاقد توانایی‌های فردی و اجتماعی است و خود بیش از آن که به عقل تکیه کند با احساس تصمیم می‌گیرد.

اشکال:

اگر چه امام علی علیه السلام پذیرش مشورت با زنان را مشروط کرده است به کمالات عقلانی آنان که با تجربه ثابت شده باشد. ولی از سوی دیگر حضرت در یک اعلان عمومی در باره ویژگی‌های زنان فرمود: *مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيْمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُطُوْطِ، نَوَاقِصُ الْعُقُوْلِ*^۱ و در ادامه به دلایل

۱. « مردم! ایمان زنان ناتمام، بهره آنان ناتمام، عقل ایشان ناتمام.

و مستندات آن پرداخته است. (نهج البلاغه، خطبه ۷۹) گویا مشورت مشروط، به نوعی زیر سؤال «نَوَاقِصُ الْعُقُولِ» قرار می‌گیرد. بنابراین منع مشورت با زنان همچنان پابرجا خواهد بود. زیرا رأی زنان، ناقص و تصمیمشان ناپایدار است.

پاسخ به اشکال:

در پاسخ می‌توان گفت:

اولاً- هدف امام علی علیه السلام در این خطبه، هرگز اهانت به شخصیت و هویت زنان نبوده است؛ بلکه به بیان تفاوت‌های میان مردان و زنان در انجام عبادات، ارث بردن و شهادت در دادگاه، پرداخته است. و برخی دیگر از مطالب که پیشتر به آن اشاره شد.

ثانیاً- مراد امام علیه السلام از عقل، همان عقل عملی است. زیرا عقل نظری؛ یعنی ادراکات عقلی و فکری که فارق انسان با حیوانات است. ولی عقل عملی، نیروی درونی است که انسان را به انجام کارهای بایسته هدایت می‌کند؛ مانند: عدالت و از نیایدها نهی می‌سازد. مانند: دروغ‌گویی. لذا امام صادق علیه السلام در تعریف عقل عملی می‌فرماید: «مَا عَمِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَكَسِبَ بِهِ الْجَنَانَ»^۱. (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۱)

از دیگر سخن امام علی علیه السلام در خصوص عقل زنان که فرمود: «عقول النساء فی جمالهن وجمال الرجال فی عقولهن» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۸، ح ۹) عقل زن در زیبایی او و زیبایی مرد در عقل اوست. با کمی دقت چنین فهمیده می‌شود: سخن امام علیه السلام ناظر به رفتار زنان و مردان در جامعه است که زنان همواره به دنبال مردان ایده آلی هستند که از تعقل، تدبیر و دوراندیشی بیشتری برخوردار باشند، در مقابل مردان در اندیشه زنان ایده آلی هستند که از زیبایی بیشتری برخوردارند. بدین جهت بسیاری از مردم بر این باورند وجود قوه تعقل بیشتر در مردان، باعث جلب توجه زنان شده و در مقابل زیبایی بیشتر در زنان، موجب جلب توجه مردان شده است. البته بر اساس اصل «اثبات شیئی نفی ما عدا نمی‌کند»، به معنای نفی توجه مردان به تعقل زن نیست. همانطور که به معنای نفی توجه زنان به زیبایی مردان نیست. بلکه وجه غالب چنین است.

ثالثاً- نگاه به تاریخ سخن حضرت که در جمادی الثانی سال ۳۶ هجری ایراد شده است، بخشی از ابهام‌ها را برطرف می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: سرزنش‌های عام امام علی علیه السلام از جامعه زنان، پس از حادثه خونین جنگ جمل بوده است. و بدین جهت سید رضی قبل از ذکر متن سخنان امام

۱. عقل نیروی درونیست که انسان را به عبادت خداوند رحمان و کسب بهشت وادار می‌کند.



می نویسد: «خطبه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام در مذمت زنان پس از جنگ جَمَل ایراد فرموده است.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۰) در همین رابطه، سبط بن جوزی نیز می‌گوید: «امیرالمؤمنین این سخن را پس از جنگ جَمَل گفته است.» (ابن جوزی، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۹) که در این حادثه طلحه و زبیر پس از پیمان و بیعت با امام علی علیه السلام و نرسیدن به آرزوهای دنیوی با همراه نمودن همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یعنی عائشه و با شعار خون‌خواهی از عثمان، گروه زیادی از مسلمانان بویژه مردم بصره را به کام مرگ کشاندند. و روایتی که در نهج البلاغه وجود دارد مربوط به پس از جنگ صفین است که حضرت در مخالفت مشورت با زنان را در برخی از موارد استثنا فرموده است.

رابعاً- در نگاه قرآن هویت انسانی زن و مرد یکی است. مانند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛ (قرآن کریم ۴۹: ۱۳) ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبائل قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید و با همدیگر زندگی هماهنگ داشته باشید، با ارزش‌ترین شما نزد خداوند باتقوی‌ترین شما است.»

و یا فرمود: خداوند آنان را چنین اجابت کرد که من عمل هیچ یک از عمل‌کنندگان شما را از مرد و زن ضایع نمی‌کنم. (قرآن کریم ۳: ۱۹۵) و یا ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾. (نساء: ۱۲۴) «و آن کس که چیزی از اعمال صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، اما ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل در بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.»

همچنین فرمود: «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمنه مردان عبادت‌کننده و زنان عبادت‌کننده، مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان خشوع‌کننده در برابر عظمت الهی، مردان و زنان بخشاینده، مردان و زنان روزه‌گیر، مردان و زنانی که عفت خود را حفظ می‌نمایند، مردان و زنانی که خدا را فراوان بیاد می‌آورند، خداوند بر همه آنان مغفرت و پاداش بزرگی را آماده ساخته است.» (قرآن کریم ۳۳: ۳۵) آیات یاد شده و برخی دیگر از آیات قرآن کریم، مرد و زن را از نظر هویت و شخصیت، به گونه‌ای توصیف می‌کند. پس روی سخن امام علیه السلام متوجه همه بانوان بعنوان یک قاعده کلی نیست.

بررسی محتوایی در مقام ثبوت

و اما از نظر دلالت و محتوا در مقام ثبوت باید گفت: مشورت‌هایی از سوی پیامبران و ائمه علیهم السلام با زنان انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. هنگامی که حضرت موسی از مجازات فرعون فرار کرد و به روستای حضرت شعیب علیه السلام



رسید، به دختران حضرت شعیب که مشغول بالا کشیدن آب از چاه بودند، کمک کرد. یکی از دختران (صفورا) داستان را برای پدرش تعریف کرد. حضرت شعیب سپس آن که با دختران جوان خود مشورت می‌کند که با این جوان چه رفتاری داشته باشد؟، موسی را به خانه دعوت کرد.

قرآن مجید چنین نقل می‌کند: «یکی از آن دو دخترشعیب (صفورا) گفت: ای پدر این مرد (موسی) را به خدمت خود اجیر کن که بهترین کس که باید به خدمت برگزینی، کسی است که توانا و امین باشد». (قرآن کریم ۲۸: ۲۶)، پیشنهاد دختران شعیب علیهم‌السلام از سوی آن حضرت پذیرفته شد و عملی گشت.

۲. خداوند در قرآن این اجازه را داد تا مردان و زنان در خصوص باز گرفتن کودک از شیر، با یکدیگر مشورت کنند: «هر گاه پدر و مادر با تراضی و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را از شیر باز گیرند، گناهی بر آنان نیست». (قرآن کریم ۲: ۲۳۳) در این آیه به صراحت، مشورت با زن در امور مربوط به کودک مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

۳. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیبیه بعد از امضا قرارداد صلح، اصحابش را به تراشیدن سر و نحرشتران فرا خواند که با عدم اجابت آنان رو به رو و غمگین شد و به همسرش ام سلمه شکایت برد. ام سلمه آن حضرت را به اقدام ابتدایی فراخواند تا اصحاب در اقتدای به ایشان، تقصیر و یا حلق کنند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم به شور و راهنمایی همسرش عمل کرد و مطلب حل شد (مجلسی، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۵۳). اهل تسنن نیز این روایت را نقل کرده‌اند. (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۴۱؛ بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۱۸۲).

۴. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دختری را برای مردی خواستگاری کرد، پدر دختر از ایشان اجازه گرفت که در این زمینه با همسرش مشورت کند و رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او اجازه داد تا در این کار با همسر خود به مشورت بپردازد. (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۴۲۲).

۵. برخی زینب دختر جحش - که بعد به همسری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آمد- و امّ ایمن، دختر ثعلبه بن عمرو، و مادر اسامه ابن زید (واقعی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۴۳۰ و ابن شبه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۲) و امّ مسطح بنت اُبی رهم بن المطلب بن عبد مناف و نوبیّه (ابن شبه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۱ و ۳۲۵) را از مشاوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی کردند.

۶. امام علی علیه‌السلام در مورد تعیین و تفکیک وظایف خود و همسرش حضرت فاطمه علیها‌السلام در منزل، به مشورت با آن حضرت پرداختند و سپس تصمیم گرفتند که برای تعیین تکلیف نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بروند و از آن حضرت نظرخواهی نمایند. (حمیری، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۵).

۷. روایاتی از پیامبر اسلام ﷺ و امامان علیهم‌السلام در بعضی از امور مانند: ازدواج و مسائل خانوادگی امر به مشورت با زنان شده است.

پیامبر ﷺ فرمودند: «اتمروا النساء فی بناتهن» «پیرامون دخترانتان با زنان مشورت کنید». (پابنده، بی تا، ص ۲، ج ۷)

امام صادق علیهما السلام نیز در مورد ازدواج به مشورت با دختران و توجه به خواسته آن‌ها تأکید فرموده است: دوشیزه گان و بانوان مورد مشورت قرار گیرند و جز با خواستشان به ازدواج در نیابند^۱. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۸۰)

اگر چه روایات فراوانی «شاورهنّ وخالقوهنّ» وجود دارد ولی چگونه هیچ موردی از مشورت رسول ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام با زنان و مخالفت با آن، گزارش نشده است بلکه بر عکس آن، گزارش وجود دارد. که بیشتر به برخی از آن‌ها پرداخته شد.

نتیجه:

در جمع بندی کلی، می‌توان چنین گفت:

۱- اگر چه احساسات و عواطف در بسیاری از زنان وجود دارد که روان‌شناسان و جامعه‌شناسان آن را از ویژگی‌های رفتار اخلاقی زنان در زندگی دانسته و آن را مهم‌ترین عامل گرمابخش کانون خانواده می‌دانند، ولی بر هیچ کس پوشیده نیست که احساسات و عواطف در همه زنان به گونه نیست که در تمام قضاوت‌ها، تصمیم‌ها و مشورت‌های آنان، تأثیر شدید بگذارد.

۲- اگرچه عدم تمرکز برخی از زنان در بعضی از مسائل، موجب سستی و ناپایداری در اراده و رای آنان در آن موضوع خاص می‌گردد ولی این عدم تمرکز اولاً شامل حال همه زنان بصورت سالبه کلیه نیست. و ثانیاً در برگرفته تمام مسائل نمی‌باشد. بلکه زنان صاحب عقل و تجربه در برخی از مسائل مانند مدیریت خانه، تربیت فرزند، فعالیت‌های هنری، به خصوص در مسائل مربوط به زنان که مشتمل موارد و مصادیق بسیاری است و دارای تخصص لازم و کافی هستند، از قدرت تمرکز بالایی برخوردارند به گونه‌ای که برخی از مردان در این خصوص نظر آنان را بر نظر خود مقدم می‌دارند.

بنابراین با عنایت به مطالب یاد شده اگر زنان خردمند و دارای تجربه، به طور معقول و به دور از احساسات و عواطف در تصمیم‌گیری‌ها و مشورت‌ها عمل کنند، از مصادیق استثنا در کلام امام

۱. «تستأمر البکر و غیرها و لاتنکح الا بأمرها».

علی‌علیه‌السلام خواهند بود که فرمود: «إِلَّا مَنْ جُرِّتْ بِكَمَالِ عَقْلِ» و از اندیشه، فکر و مشورت آنان می‌توان استفاده کرد؛ به خصوص در مسائل مربوط به زنان که هم دیگر را بهتر فهم و درک می‌کنند. و شامل منع و مخالفت مشورت با زنان که در برخی از روایات بویژه در وصیت نامه امام علی‌علیه‌السلام وجود دارد نمی‌شود.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۱۵ق، شرح نهج البلاغه، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۲. ابن اثیر الجزری، مجدالدین أبو السعادات المبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، *النهاية في غريب الحديث والأثر*. اسماعیلان، قم.
۳. ابن جوزی، سبط، ۱۳۷۹ش، *تذكرة الخواص، شرح حال وفضائل خاندان نبوت*، ترجمه عطائی، آستان قدس رضوی، مشهد.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۰۰ق، *رسائل ابن سینا*، انتشارات بیدار، قم.
۵. ابن شَبَّه نُمیری بصری، عمر، بی تا، *تاریخ المدینه المنوره*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، دارالفکر، قم.
۶. ابن شعبه حرانی، علی بن الحسین، ۱۳۶۳ش، *تحف العقول عن الرسول ﷺ*، اسلامیة، تهران.
۷. ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، *البدایه والنهایه*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربیه.
۸. ابن منظور الأنصاری، *محمد بن مکرم بن علی*، أبو الفضل، جمال الدین، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، دارصادر، بیروت.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ش، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، علی اکبر غفاری، قم.
۱۰. آلکسیس کرل، ۱۳۶۴ش، *انسان موجود ناشناخته*، مترجم دبیری، کتابفروشی تأیید، چاپ چهارم، اراک.
۱۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، ۱۳۶۶ش، *غررالحکم ودرر الکلم*، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، *صحیح البخاری*، تحقیق: محمدزهیر بن ناصر، دارطوق النجاة.
۱۳. البرقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۰ش، *المحاسن*، تحقیق جلال الدین الحسینی، دارالکتب الاسلامیه، طهران.
۱۴. پاک نژاد، سیدرضا، ۱۳۹۳ش، *اولین دانشگاه و آخرین پیامبران*، انتشارات اخلاق، تهران.



۱۵. پاینده، ابوالقاسم، گردآورنده و مترجم، *نهج الفصاحه*، ناشر جاوید، تهران.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶ش، *زن در آئینه جمال و جلال*، انتشارات اسراء، قم، ایران.
۱۷. حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم، قم، ایران.
۱۸. حسینی، سید محمد رضا، ۱۳۸۸ش، *مشورت در اسلام*، نور مطاف، قم.
۱۹. حسینی، سید ابراهیم، *فمینیزم علیه زنان*، کتاب نقد، سال ۱۳۷۹، شماره ۱۷، ایران.
۲۰. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الاسناد*، قم، آل‌البیت، قم، ایران.
۲۱. حنبل، احمد بن محمد بن حنبل، بی‌تا، *مسند*، دارالفکر، قم، ایران.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، نشر دارالعلم الدار الشامیه، دمشق.
۲۳. راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، *مفردات غریب القرآن*، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب، ایران.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۱۳۷۶ش، *الأمالی*، کتابچی، تهران.
۲۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، محقق: علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم.
۲۷. طباطبائی قمی، سید تقی، ۱۳۷۸ش، *الانوار البهیة فی القواعد الفقهیه*، انتشارات شهید محلاتی، قم، ایران.
۲۸. طباطبائی، علامه، محمدحسین، ۱۴۱۷ش، *تفسیر المیزان*، انتشارات اسلامی، قم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ق، *التهدیب*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران.
۳۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۲۵ق، *الشافی فی العقائد و الاخلاق و الاحکام*، دار اللوح المحفوظ، تهران.
۳۱. فیومی، همدان ابراهیم، ۱۴۲۳ق، *الشیعه العربیه و الزیدیة*، دارالفکر العربی، قاهره.
۳۲. کراچکی، ابوالفتح، ۱۴۱۰ش، *کنز الفوائد*، انتشارات دارالذخائر، قم.
۳۳. کریستیانی، ترزاس، جورج، ریکی، ال، ۱۳۷۳ش، *روان شناسی مشاوره*، ترجمه فلاحی حاجیلو، انتشارات رشد.
۳۴. کلاین برگ، اتو، ۱۳۵۵ش، *روان شناسی اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، نشر اندیشه، تهران.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۳ش، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.



۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳ش، *الكافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ایران.
۳۷. گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۴ش، *روانشناسی رشد با نگرشی به منابع اسلامی*، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.
۳۸. لمب روزو، جینا، ۱۳۶۹ش، *روح زن، انتشارات دانش*، تهران، ایران.
۳۹. مجد، دکتر محمد، ۱۳۷۹ش، *روان شناسی زن و مرد*، انتشارات مکیان، ایران.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۳ش، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان.
۴۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶ش، *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، همان، انتشارات صدرا، قم.
۴۳. مطهری، مرتضی، *آشنایی با علوم اسلامی*، انتشارات صدرا، قم.
۴۴. معین، محمد، ۱۳۶۰س، *فرهنگ معین*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ایران.
۴۵. مفید، ابو عبدالله، محمد بن محمد بن نعمان، بی تا، *الجمل*، مکتبه الداوری، قم، ایران.
۴۶. ملاصدرا، ۱۳۶۶ش، *شرح اصول کافی*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۴۷. مهریزی، مهدی، ۱۳۹۶ش، *روایات زنان در کتب حدیث شیعہ*، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم.
۴۸. نراقی، محمد مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۴۹. وافدی، محمد بن عمر، ۱۴۱۴ق، *المغازی، تحقیق مارسدن جونس*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.

50. Decoding Imam Ali (A.S.)'s statement on Consulting Women : Justifying to the Nahjolballaghah
51. by : Dr Sayyed Mohammadreza Hosseini (Associate Professor at Payam-e
52. Noor University.)